

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۶۱، پاییز ۱۴۰۳، صص ۱۳۹-۱۵۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۰

(مقاله پژوهشی)

DOI:

بررسی تطبیقی قهرمانان اسطوره‌ای گرشاسپ و اولیس

صفورا میربها^۱، دکتر عطاالله کوپال^۲، دکتر شهرزاد شیدا^۳

چکیده

سعی ادبیات تطبیقی بر زمینه‌های آفرینش، تشابهات، تفاوت‌ها و اثرگذاری‌های آثار است تا به رهیافت‌هایی از نوع ادبی و حماسی دست‌یابد و اشتراکات فرهنگی و بن‌مایه‌های فکری آنرا کشف کند. این پژوهش سه موضوع اصلی جنبه‌های محتوایی، ادبی و داستانی شباهت‌ها و تفاوت‌های «گرشاسپ و اولیس» را بر می‌رسد و شیوه رفتار اجتماعی پهلوانان دو حماسه را که شباهت‌های فراوانی به یکدیگر دارند، ارائه می‌دهد. شباهت‌های محتوایی از قبیل: عبور از دریا، تقدیر و سرنوشت، مرگ و جهان واپسین، خواب و رؤیای بی‌هنگام، مبارزه با عوامل غیر معمول و جادو. شباهت‌های ادبی مانند: روح حماسی و اسطوره‌ای، جنگ برای حفظ استقرار خود و توصیف. شباهت‌های داستانی به مثابه: جنبه داستانی و ایستایی شخصیت‌ها را ارائه می‌دهد. روش مقاله با رهیافتی توصیفی-تحلیلی؛ به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای به شباهت‌ها و تفاوت‌های دو حماسه «گرشاسپ» ایرانی و «اولیس» یونانی به بن‌مایه‌های مشترکی چون: سفر به جهان زیر زمین و خواب بی‌موقع، موجودات شگفت‌آور و غیر طبیعی و جنگ با دیوان و اژدها می‌پردازد. محقق در این جستار درصدد تبیین تشابهات بین آثار ادبی و استفاده از معیارهای محتوایی، ادبی و داستانی در حماسه معروف ایرانی و یونانی است. گیلگمش نخستین حماسه جهان با اساسی‌ترین مسائل انسانی است. که جامعه هومری یونان از آن تأثیر پذیرفته و بر اودیسه‌ی هومر نیز تأثیر گذاشته است. با توجه به اینکه هر متنی صورت دگرگونی یافته متن دیگر است؛ بدون شک بر ادبیات حماسی ما نیز تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، اسدی طوسی، اسطوره و حماسه، اودیسه هومر، اولیس و گرشاسپ.

^۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

mirbaha.safora@gmail.com

^۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسؤول)

atakoopal2000@yahoo.com

^۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

shahrzadsheyda@gmail.com



مقدمه

مقایسه دو حماسه‌ساز بزرگ «گرشاسپ و اولیس» نه از جهت سنجش اثر ادبی، بلکه بیانگر نماد فرهنگ ایران و یونان در گستره‌ای وسیع و در سطح بالا که نشان‌دهنده رفتار، آداب و رسوم، اخلاق، اندیشه و آرزوهای مردمی است که با تأثیرپذیری عمیق و شگرف از خود، فرهنگی غنی به یادگار گذاشته‌اند. این مقاله گزینش شیوه زندگی آن دو پهلوان حماسی را بر اساس اصالت و نژاد آن‌ها؛ با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن دو شخصیت، از لحاظ اثرگذاری بر می‌رسد.

با تفحص در ویژگی‌های افکار مردم ایران و یونان و پی‌بردن به اندیشه آنان و باز شناخت جنبه‌های اشتراک و افتراق آنان، می‌توان موضوع را مورد بحث و مذاقه قرار داد. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که تمدن‌های بزرگ تاریخ باستان، ریشه تاریخی مشابهی چون آداب و رسوم و نحوه زندگی دارند. همانگونه که علل افتراق را نیز در آثار نویسندگان از نظر بعد فکری و تأثیر آن‌ها را می‌توان دریافت کرد.

کهن‌ترین حماسه نوشته شده جهان در ۳۵ قرن پیش به زبان اکدی و اصل داستان سومری؛ گیلگمش نام دارد که پادشاهی قدرتمند و مشهور است. ترس‌ها، باورها، امیدها و غم‌های انسان باستان را به شکل داستانی و آمیخته با اسطوره‌های بین‌النهرین بیان می‌کند.

اودیسسه هومر نیز از حماسه‌های بزرگ جهان و «سرگذشت بازگشت اولیس خردمند، چاره‌جوی و دلیر است که از میان طوفان‌های بلا، به رغم دشواری‌هایی که خدایان سر راه او قرار می‌دهند، راه خود را باز می‌یابد.» (زرین کوب، ۱۳۵۷: ۸۷)

حماسه هومر مربوط به قوم «کرت» است که پیش از ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال بعد از گیلگمش و تأثیرپذیری از این اثر سروده شده است.

«گرشاسپ‌نامه» دومین اثر بزرگ حماسی «با ۹۰۰۰ بیت در بحر متقارب مثنی محذوف یا مقصور» اثر حکیم اسدی طوسی از حماسه‌های مردم ایران زمین، سروده قرن پنجم هجری است. پیروی کامل او از فردوسی بدلیل ارتباط و همانندی موضوع و پیوستگی آن دو، به طوری که می‌توان گرشاسپ‌نامه را قسمتی از شاهنامه فردوسی شمرد.

هدف از پژوهش که با روش تحقیق نظری، مطالعه و تحلیل تطبیقی صورت گرفته است؛ نیم‌نگاهی است از دریچه ادبیات تطبیقی قهرمانان اسطوره‌ای در اثر حماسی گرشاسپ‌نامه اسدی

طوسی و اودیسه هومر و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو حماسه‌ساز و تأکید بر تفاوت و تشابه دو اثر ایرانی و یونانی است. زیرا این دو کشور دارای فرهنگ اولیه مشترکی بودند. بررسی و بیان وجه اشتراک و افتراق «گرشاسب ایرانی و اولیس یونانی» است.

با روش تحقیق نظری، مطالعه و تحلیل تطبیقی صورت گرفته که نیم نگاهی است از دریچه ادبیات تطبیقی قهرمانان اسطوره‌ای با کاوش و مقایسه نمودار زوایای ناپیدای دو پهلوان اسطوره‌ای «گرشاسب و اولیس» در اثر حماسی «گرشاسب‌نامه اسدی طوسی و اودیسه هومر» هرچند ناچیز و اندک؛ چگونگی آن‌ها را مورد تجزیه قرار می‌دهد و تحلیل می‌کند. در این حماسه‌ها همراه عرصه‌های پر هیبت جنگ و دفاع، جلوه‌های پرشکوه عشق و احساسات عاشقانه هم صحنه‌آرایی می‌کند. نوای عشق و دلدادگی که زیباترین ماجرای مهرورزی و همسانی‌های این آثار است، محقق را بر آن داشت که ضمن معرفی و تأمل بیشتر بر حماسه، مقایسه برخی موضوعات مشابه را برسد.

پیشینه تحقیق

نویسندگان و صاحب‌نظران حوزه نقد ادبیات کشورها در الگوهای کهن و، در محور بحث و بررسی «ایلیاد و اودیسه هومر» بارزترین اسطوره ادبیات غرب، شخصیت‌های افسانه‌ای را به خوبی معرفی و با قهرمانان داستانی دیگر ادبیات‌ها مقایسه کرده و آثا ارزشمندی به زبان‌های مختلف ارائه کرده‌اند.

اما بحث مفصلی در این زمینه و بررسی تطبیقی آن پیشینه‌دار نیست. و درباره مقایسه تطبیقی این دو قهرمان، منابع فارسی به نظر نرسید. ولی از منابع موجود ذیل بهره‌مند گردیده است:

* آقای دکتر ایرج مهرکی در مقاله «منبع اسدی در سرودن شاهنامه» بیان می‌دارد که بخشی از شاهنامه ابوالمؤید بلخی، به شکل مستقل باقی مانده و اخبار گرشاسب نامیده می‌شود. (۱۳۸۱)

* سرکاراتی، در پژوهشی، به بررسی شخصیت و جایگاه گرشاسب در متون دینی و حماسی کهن پرداخته است.

* خداکرمی در پژوهشی کوشیده است گرشاسب‌نامه و اودیسه را تطبیق دهد. (۱۳۹۲)

* نوری و بیرانوند در مقاله‌ای به مقایسه تطبیقی اودیسه هومر و گرشاسب‌نامه همت گمارده-

اند. (۱۳۹۴)

* طغیانی اسفرجانی هم حماسه‌های ایرانی و غیر ایرانی را به بوته مقایسه و تحلیل گذاشته و از عناصر مشترک آن‌ها سخن گفته‌است.

لذا هیچ تحقیقی در مقایسه تطبیقی گرشاسب و اولیس یافت نشد. از این‌رو با مطالعه کتابخانه‌ای این آثار می‌توان ضمن شناخت مؤلفه‌های تربیتی دو فرهنگ ایرانی و یونانی به این مهم دست یافت:

مهمترین راه کشف موارد مشابه و مخالف این دیدگاه‌ها، تطبیق و مقایسه آثار آن‌ها با یکدیگر است تا ظرافت‌ها و ناشناخته‌های آن‌ها آشکار شود.

روش تحقیق

پژوهش پیش رو مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای و تارنمای الکترونیکی و به روش توصیفی و پردازش تحلیل موضوع اشتراکات و تفاوت‌های دو کتاب «گرشاسب‌نامه و اودیسه» است. اساس کار بر گردآوری، طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل، کشف یافته‌ها و نتیجه کلی ساختارهای اساسی این پژوهش است.

مبانی تحقیق

هدف ادبیات تطبیقی بررسی روابط فرهنگی میان ملت‌ها و دستیابی به وجوه مشترک یا متفاوت تفکرات بشری است. «یونگ» از میراث ادبی و تجربه‌های مشترک دو قوم به ناخودآگاه جمعی بشر یاد می‌کند و دلیل تشابهات فرهنگی میان ملل مختلف را اسطوره‌ها و کهن الگوهای مشترک می‌داند.

برای تشخیص و شناخت مشترکات و مفترقات فرهنگ‌های گوناگون جهان، همسنگ قراردادن نظرگاه و آثار ادبی آنان در موضوعی واحد است تا نموداری حاصل گردد و در محور آن مقایسه علمی، ادبی و تطبیقی انجام پذیرد تا ادبیات و فرهنگ و آداب و رسوم ملل مختلف شناسایی شود تا بهترین خدمت به ادبیات جهانی و بشردوستی انجام پذیرد.

ادبیات تطبیقی، یا «ادبیات همگانی» مطالعه و بررسی مقایسه‌ای آثاری برخاسته از زمینه‌های فرهنگی گوناگونند. ادبیات دو کشور یا چند کشور را با هم و یا ادبیات یک دیار را با همه کشورهای جهان مقایسه می‌کند. ادبیات تطبیقی ما را در درک عمیق متون یاری می‌کند. ویژگی آن الهام‌گیری ملت‌ها از ادبیات یکدیگر است که شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در شخصیت-پردازی دو یا چند اثر را بطور دقیق و ظریف نقد و بررسی می‌کند و نتایج مهمی در مورد

مشترکات تاریخی و فرهنگ آن قومی که فاصله زیاد زمانی و مکانی با هم داشته‌اند؛ ولی نقطه مشترک ویژگی انسانی دارند و تفاوت‌هایی مثل شرایط زمانی و اقلیمی بر نمودارشدن جوامع مختلف و آداب و رسوم و نوع تفکر ملل اخذ می‌کند.

«بنابراین ادبیات تطبیقی به دنبال مقایسه متون، بیان تأثیرپذیری ادبا از یکدیگر و فهم متون به روش خاص خود است. با تکیه بر ادبیات تطبیقی «بیشتر به ادبیات دیگران پرداخته می‌شود، تا اینکه به ادبیات ملی پرداخته شود» همین نیز باعث می‌شود بی‌طرفانه درباره آثار ادبی قضاوت شود.» (بیرانوند، صحرایی، ۱۳۹۹: ۴۶)

ویژگی‌های مطالعات تطبیقی

تأثیر و تأثر در پیوند یک ادبیات با ادبیات دیگر، پرداختن به همسانی‌ها و نا همسانی‌ها، علت ظهور و بروز آن‌ها، توجه به نقد مدرن، بحث و قضاوت بی‌طرفانه در آثار ادبی و ... است. رشته علمی ادبیات تطبیقی با زمینه فرهنگی و تأثیرپذیری از دیگر متون کهن ادبی با روش مقایسه و تطبیق شباهت‌ها و تفاوت‌ها به وجود آمده است که هدف روش برداشت از متون و عینیت بخشیدن به مطالعه آن‌را ارائه می‌کند.

اسدی طوسی

اسدی طوسی سال ۳۹۰ هجری در طوس متولد شد. وی یکی از مردان بزرگ زبان و ادب فارسی با ویژگی‌های شاعری، لغت‌نویسی و خطاطی است. در سال ۴۴۷ کتاب الابنیه موفق-الدین هروی را با خط خوش دست‌نویسی کرد. در سال ۴۵۸ «گرشاسپ‌نامه» را به نام «ابودلف» فرمانروای نخب جوان به پایان رساند تا افسانه یکی از پهلوانان حماسی باستان را حفظ کند. کتاب «لغت فرس» را که نمونه برجسته‌ای از کهن‌ترین فرهنگ‌نویسی در زبان فارسی است تألیف کرد. اسدی در برخی مسائل فلسفی زمان خویش بخصوص در رد آرای دهری و دیرندی و مخالفت با عقیده شعوبی که آتش را برتر از خاک می‌دانستند، پایگاهی استوار دارد. او مسلمانی معتقد و وطن‌دوست است. از وی پنج منظره با نام‌های: مسلمان و گبر، آسمان و زمین، شب و روز، کمان و نیزه و عرب و عجم به یادگار مانده است. پس از طی دوره زندگی علمی خود در سال ۴۶۵ چهره در نقاب خاک کشید.

اسطوره

اسطوره که دارای جایگاه مهمی در ادبیات و فرهنگ ملل جهانی داشته‌است. وجوه مشترک در اسطوره‌های ملت‌های مختلف دنیا نشان دهنده علاقه و توجه به موضوعی مخصوص و مورد احترام در نزد آنان بوده‌است.

اسطوره آیینۀ روح بشر و تجلی حقایق انسانی در طول تاریخ است که هدف و مقصود معینی دارد و با بهره‌گیری از آن، فرهنگ گذشته را بازآفرینی می‌کنند.

اسطوره همانا سمبل یا نماد تجربیات انسانی است و تجسم و سرچشمه‌ای از ارزش‌های یک-فرهنگ که برگرفته از روایات باستانی بصورت شفاهی، شماری از آفرینش و آغاز پدیده‌های طبیعی و مرگ، رفتار موجودات ملکوتی، روایات گوناگون ماجراهای پهلوانان و سیه‌روزی‌های انسان‌های خود برترین است.

افسانه‌ها و اسطوره‌ها بیانگر دوران بسیار کهن از فرهنگ و تمدن اقوام ملل گوناگون هستند که مخاطب را با شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای با جایگاه خاص آشنا می‌سازد و همواره مورد احترام در نزد آنان بوده‌است. و با مقایسه پهلوانان اساطیری حماسه‌های جهان، دشواری-های آنان، تفاوت قابل توجه اعتقادی و فرهنگی و ... را مورد توجه قرار می‌دهند. البته پهلوانان حماسه، انسان‌هایی دارای عواطف پاک و قوی هستند.

تعریف حماسه

حماسه به معنی دلاوری و شجاعت است. حماسه‌ها بیانگر تجربه‌های مشترک یک ملت تاریخ‌دار است که نیازها و آرمان‌های زندگی انسان را پاسخ می‌دهد.

اودیسه هومر

یکی از زیباترین و عظیم‌ترین آثار حماسی ملت‌های جهان است که آمیختگی اساطیر ملت‌های گوناگون و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر است. در این منظوم حماسی مشابهِت‌ها و همسانی‌هایی وجود دارد. چون آمیختگی اساطیر ملت‌های گوناگون، تأثیر پذیری آن‌ها از یکدیگر، کارهای شجاعانه و حیرت‌انگیز و ... که به آن‌ها دست می‌یازند.

«هومر» شاعر بزرگ یونانی قرن هشتم پیش از میلاد، داستان پهلوانان یونان را به رشته نظم کشید. «دکتر سعید نفیسی» آن را به فارسی ترجمه کرده‌است. معروف‌ترین این داستان‌ها، جنگ ترواست در آسیای صغیر که اکنون در دهکده «حصارلیغ» ترکیه است.

«منظومه ایللیاد و اودیسه» نامدارترین حماسه دنیای قدیم و از شاهکارهای مسلّم ادبیات جهان است. این منظومه‌ها داستان شورانگیز جنگی است که میان مردم یونان و مردم تروا درگرفته است. «پاریس» فرزند پادشاه تروا، «هلن» شاهزاده خانم زیبای یونانی را از چنگ شوهر وی بدر برد و خشم یونانیان را برانگیخت. دلاوران یونانی ده سال در گشودن شهر تروا کوشیدند. خدایان یونانی نیز پای در این کشمکش نهادند و در ستیزه آدمیان انباز شدند.» (نفیسی، ۱۳۷۰: ۸۱۳)

منظومه اودیسه که ادامه ایللیاد می‌باشد، شاهکار دوم هومر ۲۴ سرود دارد و یکی از زیباترین و عظیم‌ترین آثار حماسی ملت‌های جهان است که آمیختگی اساطیر ملت‌های گوناگون و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر است. در این آثار نیز مشابهت‌ها و همسانی‌هایی وجود دارد. این منظومه‌های الهام‌بخش مغرب‌زمین؛ علاوه بر دلاوری و رزمجویی قهرمانان یونان و تروا که توصیف مؤثر و دل‌انگیزی دارند، تصویر زنده‌ای از افسانه‌ها و عقاید یونان باستان را به جهانیان معرفی می‌کند.

خلاصه داستان اولیس

داستان «اودیسه‌ئوس به زبان یونانی و اولیس به زبان لاتین»، ریشه در اساطیر یونانی و به خصوص اودیسه هومر، شکسپیر، عهد عتیق و عهد جدید دارد. اولیس پادشاه افسانه‌ای «ایتاک» و قهرمانی ماجراجو، ستیزه‌جو و خطرپذیر است که در بین همتایان خود امتیاز ویژه‌ای دارد. نام‌آورترین دلاور پس از «آشیل» و طراح نقشه اسب چوبین به «تروا» است. اولیس «پولیفم» غول یک چشم را با شاخه درخت زیتون که با آتش محکم و با شراب خیس کرده بود در چشم غول فرو برد و او را کور کرد. به «هادس» سرزمین مردگان رفت و با مادرش، آگاممنون، اخیلوس، پاتروکل، انتلوک و دیگران ملاقات و گفتگو کرد.

اودیسه، با بیست و چهار سرود داستان‌ها و ماجراهای اولیس را در سفر ده ساله‌اش بیان می‌کند. او در طی سفرهای خود با رنج و آزمون‌های بسیاری رو به رو می‌شود و از خدایان خود یاری می‌طلبد و بر مشکلات پیروز می‌گردد.

بزرگ‌ترین جنگ یونانیان بخاطر خیانت «هلن» همسر پادشاه یونان است که به «پاریس» زیباروی و جوان دل می‌بازد. پاریس بدون آن که به سرزمین و مردم و خانواده‌اش بیندیشد،

کاری ناشایست انجام می‌دهد و با هِلن از یونان فرار می‌کند. سپاه یونان برای بازپس گرفتن همسر پادشاه، جنگ بزرگ و خانمانسوز تروا را راه می‌اندازند.

یونانیان که در این مدت موفق به باز پس‌گیری هِلن نمی‌شوند چاره‌ای می‌اندیشند؛ اولیس، قهرمان ماجراجو با ساختن اسب‌چوبی و قراردادن پهلوانان در آن، و دورشدن از تروا، آن‌ها را می‌فریبد و مردم تروا تصور می‌کنند که یونانیان رفته‌اند و به نشانه صلح این اسب را برای آنان گذاشته‌اند. آن‌ها اسب را با شکافتن دیوار شهر به داخل می‌برند. شب‌هنگام که مردم تروا به خواب می‌روند، پهلوانان از درون اسب خارج می‌شوند و جنگجویان یونانی با حمله شبانه به شهر، مردم تروا را می‌کشند و شهر را آتش می‌زنند و سرزمین پدری پاریس را تبدیل به کوهی از خاکستر می‌کنند و نام آن را برای همیشه از صفحه تاریخ محو می‌سازند. یونانیان با حيله و نیرنگ اولیس ستیزه‌جو در این جنگ ده‌ساله که مردان بسیاری در آن کشته شدند پیروز می‌شوند.

زمان جنگ که طولانی شده بود و ده سال دیگر هم اولیس در سفرهای پر مخاطره‌اش گرفتار بود و نتوانسته بود به زادگاهش برگردد، این تصور را ایجاد کرده بود که همه فکر کنند اولیس کشته شده است. ولی پنلوپ همسر باوفا و تلماک پسرش همچنان در انتظار برگشت او به سر می‌بردند. ولی خواستگاران زیادی در صدد جلب توجه و ازدواج با او بودند. ولی پنلوپ امید داشت که اولیس برمی‌گردد و انتقام خود را از آن‌ها می‌گیرد. اولیس از سفر طولانی و پر مخاطره خود بازگشت و خواستگاران همسرش را که در تالار تیراندازی گیر افتاده بودند، همه را کشت. «پس از ساختن اسب‌چوبی با نقشه اولیس و پیروزی یونانیان بر تروائی‌ان، هریک از پهلوانانی که از جنگ جان سالم به در می‌برند، به شهرهای خود بازمی‌گردند. فقط اولیس برای رسیدن به خانه با موانعی مانند سیکلوپ‌ها (غولان افسانه‌ای یک چشم)، سیکون‌ها (از مردم دریا)، سیرسه (از فرشتگان) و ... مواجه می‌شود و ۲۰ سال از وطنش دور می‌افتد تا اینکه با یاری آتنه، الهه خرد، به خانه خود بازمی‌گردد. در نبود اولیس خواستگاران به بهانه ازدواج با همسرش، پنلوپ، در خانه وی سکنا می‌گزینند. بنابراین آتنه او را به شکل گدایی درمی‌آورد و ناشناس به خانه خود وارد می‌شود. پنلوپ که دیگر تمام نقشه‌هایش برای مقابله با خواستگاران ناکارآمد شده‌اند، با برگزاری مسابقه تیراندازی، وعده می‌دهد با خواستگاری که بتواند با کمان اولیس به هدف بزند، ازدواج می‌کند. هیچ یک از آن‌ها حتی نمی‌تواند زه کمان اولیس را در حلقه آن

بیندازد. تا اینکه اولیس خود این کار را انجام می‌دهد و آتنه بار دیگر او را به شکل اول خود در می‌آورد و اولیس خواستگاران را که در تالار تیراندازی گیر افتاده‌اند، یکی پس از دیگری می‌کشد. (هومر: ۱۹۱۳، ۲۹۱)

خلاصه داستان گرشاسب

«اسدی در سرودن داستان گرشاسب از شرح سلسله نسب او یعنی فرار جمشید به سیستان پس از آشفتن اوضاعش و پناه‌بردن به خانه «کورنگ شاه» و عشق به دخترش و ازدواج با او آغاز کرده، سپس به زادن تور از پشت جمشید می‌رسد و پس از آن اخلاف تور یعنی شیدسپ و طورگ و شم و اثرط را نام برده که همگی شاهان زابلستان بوده‌اند.» (صفا، ۱۳۸۹: ۳۸۴)

«گرشاسب» پسر تریّت از خاندان سام، پهلوان بزرگ اسطوره‌ای و حماسی ایرانی است. زندگی او در جنگ با اژدها، غول‌ها، دیوان، راهزنان و جانوران شگفت‌انگیز رقم خورده است.

«گرشاسب، نیای «رستم» است و در جریان خردشدن و دگردیسی اسطوره‌ها، پاره‌های وجود او، به سام و رستم بدل شده و در ادب حماسی ما، منعکس شده است. وی در کتاب‌های مذهبی باستانی، پهلوان مغلوب‌نشدنی، زنده جاویدان و از یاران موعود زردشتی است.» (یغمایی، ۱۳۸۶: ۵۲۳)

در «گرشاسب‌نامه» که مبانی و کلیات آن در اوستا و آثار ادبی قرن‌های اول اسلام آمده است، پهلوان یگه‌تاز حماسه‌سازی و بزرگ‌ترین قهرمان اژدهاکش ایران باستان است. که با اژدهای شاخ‌دار، دیو گندرور، پهلوانان انیرانی و راهزنان و ... می‌جنگد و خالق شگفتی‌ها می‌شود و چیزهای عجیب و غریبی می‌بیند.

«گرشاسب مرغ کمک را که سرش به فلک می‌رسید و از شهرهای خود خورشید و ماه را پوشیده می‌داشت و جهان را تیره و تار می‌نمود و در وقت باران پره‌های خود گشوده، نمی‌گذاشت که باران به زمین برسد و پس از آن به دریا رفته، آب‌ها را که به پره‌های خود گرفته بود در آنجا می‌ریخت و جهان از قحط و غلاء به تنگ آورده بود و رود و چشمه را خشک کرده بود با تیر بزد پس از آن در مدت یک هفته از پی او تاخت، وقتی که مرغ کمک از آسمان افتاد جهانی از افتادنش خراب شد، آنگاه گرشاسب با گرز منقارش بکوفت.» (مهرکی، ۱۳۸۰: ۲۰۵)

اهریمن یا اژدها، پیکری زمینی، وحشتناک و آدم‌خوارست. گرشاسب به نمایندگی از سوی اهورامزدا به مبارزه او می‌رود و در صدد مبارزه با این مشکلات برمی‌آید و به نبردی سرنوشت-

ساز می‌انجامد. او با «اژدهای شاخدار و زهرآگین، بزرگ و بلند، ترسناک و اهریمنی» که مردان و اسبان را می‌بلعد؛ می‌جنگد و او را از پا درمی‌آورد و پهلوانی خود را به اوج می‌رساند و اسطوره خویش را جاودانه می‌سازد و بنیان‌گذار اژدهاکشی در اسطوره‌ها و حماسه‌های ایرانی می‌شود.

زندگانی اسطوره‌ای و حماسی او در «اوستا» که پهلوانی بزرگ با جایگاهی بسیار خوب و شایسته است. در «دینکرد»، جایگاهش را تا حدودی از دست می‌دهد. در «روایت پهلوی و بندهشن» او به خواب اهریمنی هزارساله می‌رود. پس از تابش نور اهورایی توسط زردشت و فرشتگان، پس از رنج بسیار به برزخ و بهشت راه می‌یابد.

ولی با اینهمه دل‌آوری‌ها نتوانست دل اهورامزدا را به دست آورد. چونکه دین «مزدیسنا» را خوار شمرده و آتش را آزار رسانده بود. از طرفی چون دوهزار سال در خدمت ضحاک بود و پایه‌های حکومت وی را محکم و استوار کرد؛ نزد ایرانیان ارزشی نداشت.

گرشاسب‌نامه

گرشاسب‌نامه حکیم اسدی طوسی باجلوه‌گری‌ها و هنرنمایی‌های ۹۰۰۰ بیتی در مورد جنگ‌ها، عظمت‌ها و دل‌آوری‌های گرشاسب، پهلوان بزرگ سیستان و جد اعلای رستم است، که سرگذشت او در اوستا و آثار ادبی قرون اولیه‌ی اسلام آمده است. در این منظومه، وی پس از (ستایش خداوند، نعت پیامبر^(ص)، ستایش دین و ...)

«بخشی از شاهنامه ابوالمؤید بلخی، به شکل مستقل باقی مانده و اخبار گرشاسب نامیده شده و منبع اسدی در سرودن شاهنامه است.» (مهرکی، ۱۳۸۱: ۷۳-۸۵)

سلسله نسب گرشاسب، فرار جمشید از دست ضحاک و آمدن او به زابلستان، ازدواج جمشید با دختر کورنگ (شاه زابلستان) و تولد «تور» پسر آن‌ها، چند نسل بعد از تور یعنی شیدسب، طورگ، شم، اثرط و سرگذشت گرشاسب را به نظم می‌کشد. علاوه بر آن:

«شرح سفرهای گرشاسب به توران، هند و روم، جنگ‌ها و هنرنمایی‌هایش در آن نواحی، گفت‌وگوهایش با برهمن، خوارق‌عاداتی که در جزایر اقیانوس هند دیده و کارهای بزرگ و دور از عادت‌ی که بر دست او انجام پذیرفته، مطالبی‌ست که در این منظومه به تفصیل بیان شده است.» (صفا، ۱۳۸۹: ۳۸۴)

به اعتقاد بسیاری از مورخان و نسخ‌شناسان بزرگ‌ترین حماسه ملی ایران پس از شاهنامه به شمار می‌رود. اثری است از موارث اساطیری، تاریخی و فرهنگی ایران باستان که با جهان‌بینی توحیدی اسدی درآمیخته است. آفرینش اساطیری یعنی عقاید و باورهای ایران باستان و زرتشت را به گونه‌ای نمادین بازگو می‌کند و به پیدایش جهان، آسمان، زمین و ... می‌پردازد. و از سویی دیگر باورها و اندیشه‌های اسلامی خود را که بر پایه‌ی توحید و یکتاپرستی است مطرح می‌کند.

بحث

با توجه به اینکه بسیاری از کارکردهای قهرمانان و بن‌مایه‌های دو حماسه گرشاسپ‌نامه و اودیسه به هم شباهت دارند؛ ولی موضوع را به تأثیرپذیری گرشاسپ‌نامه از اودیسه هومر می‌کشاند.

دو شخصیت گرشاسپ و اولیس با هم شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که در ادامه بررسی و تحلیل می‌شود.

عبور از دریا؛ که هر دو قهرمان حماسه‌های زیادی از آن برجای گذاشته‌اند. زمانی که اولیس از دریا می‌گذرد، پورئیدون که خدای آب است، برای او مشکل ایجاد می‌کند و آواره‌اش می‌گرداند. (ر.ک: بیرانوند، ۱۳۹۹: ۵۸)

گرشاسپ از دریای هند عبور می‌کند. «بعد از کشتن بهو به دیدار شگفتی‌های هند می‌رود، جزیره‌های بسیاری را می‌بیند.» (مهرکی، ۱۳۸۱: ۷۵)

تقدیر و سرنوشت

قهرمان حماسه ایرانی اراده و مشیت و حکم خداوند را می‌پذیرد و در مقابل او تسلیم است و به دعا و نیایش می‌پردازد.

ویژگی‌هایی چون خرق‌عادت، پی‌رنگ ضعیف، کلی‌گرایی در مورد دوست و دشمن، ایستایی، سخن گفتن قهرمانان به یک روش، اعتماد به سرنوشت و تقدیر بر همه چیز و همه کس، شگفت‌آوری در قصه‌ها نمودار است.

در گرشاسپ‌نامه برای بخشش بیشتر از کوشش انسان‌ها ارزش قائلند.

در اودیسه انسان‌ها اسیر خشم و هوسرانی و قدرت خدایان هستند. غلبه تقدیر بر آن‌ها آشکارتر است.

مرگ و جهان واپسین

در گرشاسب‌نامه آمیزه‌ای از اعتقادات اسلامی و زردشتی است که ارواح را به دو دسته تقسیم می‌کند. ولی در اودیسه مرگ قانونی است ناگزیر که همه را در بر می‌گیرد و حتی خدایان نمی‌توانند مانع آن شوند. سفر به جهان مردگان کارکرد اسطوره‌ای و بازگشت اولیس به ایتاک تولدی دوباره است. «گرشاسب در آیین مزدیسنی جزو جاویدانان و بی‌مرگان است، بنابراین باید تا روز رستاخیز زنده باشد.» (مهرکی، ۱۳۸۰: ۲۰۷)

خواب و رؤیای بی‌هنگام

هر دو پهلوان به خواب بی‌موقع فرو رفته‌اند. هنگامی که اولیس و یارانش به جزیره خورشید می‌رسند، اولیس به خواب فرو می‌رود و یارانش گاوهای هلیوس را می‌کشند. (رک: همان، ۲۷۹)

گرشاسب در «روایت پهلوی و بندهشن» به خواب اهریمنی هزار ساله می‌رود. پس از تابش نور اهورایی توسط زردشت و فرشتگان، پس از رنج بسیار به برزخ و بهشت راه می‌یابد.

مبارزه با عوامل غیر معمول و جادو

گرشاسب جنگ افزار آیینی دارد که با آن‌ها کارهای بزرگی انجام می‌دهد. مانند: کشتن اژدهای شاخدار، کشتن دیو گندرو، کشتن دیو سناویدک.

«از این رو شاهان و پهلوانان همه اژدهاکشی می‌کنند و این یکی از آزمون‌های دشوار پهلوان و بزرگترین رخدادی بود که بر خدایان و ایزدان و پهلوانان می‌گذشت و از روی کهن‌الگویی انجام می‌شده است که قهرمان برای رسیدن به رشد معنوی و نمایاندن شایستگی‌های خود باید آن را برتابد.» (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

کاربرد جادو در حماسه‌ها؛ که راه به فراواقعیت دارد و یکی از کاربردهای فعال در داستان‌های حماسی محسوب می‌شود. ایرانیان همواره جادو و جادوگری را اهریمنی، حرام و نادرست می‌دانستند و از آن همواره دوری می‌کردند و آن را وسیله‌ای برای نابودی مخلوقات اهورایی به شمار می‌آوردند.

ولی در ادیسه، خدایان و جادوان، هر دو با جادوگری رابطه تنگاتنگی دارند به طوری که «آتنه و سیرسه» بغ بانوانی هستند که همواره جادوگری می‌کنند. و جاوگران به شکل افراد پیری ظاهر می‌شوند و خود را به ریخت‌های گوناگون در می‌آورند تا مقاصد پلید خود را اجرا کنند.

مقایسه جنبه ادبی اودیسه با گرشاسب‌نامه

روح حماسی و اسطوره‌ای

اسطوره‌های یونانی تا حدودی توصیفگر منشأ جهانی و جزئیات زندگی خدایان، الهه‌ها، قهرمانان، پهلوانان و موجودات اساطیری هستند که تأثیری عمیق بر فرهنگ، هنر و ادبیات تمدن غرب داشته‌اند.

یونانیان کهن به انواع خدایان نر و ماده جاودانی با شکل بشری، در اوج زیبایی و برازندگی و قدرت‌مندی اعتقاد داشتند. گاهی انسانها معشوق خدایان می‌شدند. مانند: دلدادگی بغ‌بانو کالیپسو به اولیس که با امتناع ورزیدن گرفتار طوفانش کرد. قربانی‌دادن برای خدایان، زئوس، آتنه و ... پیوند خدایی را می‌رساند.

اسطوره‌های ایرانی سمبل یا نماد تجربیات انسانی هستند که تجسم و سرچشمه‌ای از ارزش‌های یک فرهنگ که برگرفته از روایات باستانی بصورت شفاهی و شماری از آفرینش و آغاز پدیده‌های طبیعی و مرگ، رفتار موجودات ملکوتی، روایات گوناگون ماجراهای پهلوانان و سیه روزی‌های انسان‌های خود برتر بین است.

در گرشاسب‌نامه اعتقادات، اندیشه‌ها و باورها توحیدی هستند و یکی از وجوه اسطوره‌ها جنبه دینی آن‌هاست که در هر دین و آیین نمودار می‌گردد. حتی در آیین بت پرستی که بت-پرستان برای قربانی‌دادن، خود را فدای بت‌ها می‌کردند.

باواکاوی آموزه‌ها و ویژگی‌های دینی، آیین‌هایی که در این آثار بازتاب یافته‌اند، به روحیات، افکار و عقاید مردم دو سرزمین باستانی ایران و یونان می‌توان پی برد.

«یونگ بر این باور بود که هدف غایی زندگی برای رسیدن به کمال است و این کامل شدن بسیار دشوار است و در سایه تلاش و کوشش بسیار و پشتکار جدی میسر نمی‌شود»، (جانی ۱۵

(۵۵۲) ۵۵۲۲۵۹۸، (۱۴۰۲)، (DIO)

جنگ برای حفظ ماندگاری خود

جنگ ده ساله خونبار و ویرانگر اولیس برای باز پس‌گیری یک زن بود که بر اثر آن ده‌ها هزار نفر کشته شدند و شهر تروا با خاک یکسان شد و از صحنه روزگار محو شد. ولی جنگ گرشاسب برای نجات کشور ایران و ملتش بود که به دشمنان اجازه تجاوز و دست‌اندازی نداد.

پهلوانی گرشاسب در تن و روانش جاری و دارای جنگاوری همیشگی بود ولی اولیس این چنین نبود.

توصیف؛ که جهت فضاسازی و بیان اندیشه خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. از نظر صنایع بدیعی (تشبیه، استعاره، اطناب، ایجاز، اغراق، مبالغه و ...) و وصف می‌توان به شباهت‌ها و اختلافات این دو اثر پی برد.

تشبیه در اودیسه

آتنه، الهه‌ای با چشمان فروزان و یا خدای تدبیرها خوانده می‌شود. اولیس؛ داننده هزار چاره-گری. پوزوئیدون؛ برنده زمین گفته می‌شود. ایتاک، جزیره‌ای است که اطرافش را خیزاب‌ها گرفته‌اند.

وصف صبح و غروب و شب، دریا، کشتی‌ها و جزایر. اطناب در بزم‌های خواستگاران و پذیرایی و خدمت‌کردن پرستندگان برای مهمانان. توصیف گسترده‌ی‌ها و صندلی‌ها و چهره‌های جدید. در گرشاسب‌نامه تصویرسازی در رزم‌ها و پهلوانی‌ها پر رنگ و اغراق‌آمیز است. تشبیه، تشخیص، هماویی، کنایه، تکرار، مبالغه و اغراق که ویژگی اصلی حماسه را می‌رساند. توصیف در جزایر و شگفتی‌ها؛ ایجاز و اطناب را به طرز خاصی به کار برده است.

نمونه تشبیهات

پراز خاک شد روی ماه از نبرد پراز گرد شد کام ماهی ز گرد
(اسدی، ۱۳۵۰: ۶۶)

کهن الگوها جوهر اصلی حماسه‌ها هستند. مانند: ساختن شهر و آرمان‌شهر که در تاریخ سیستان به گرشاسب نسبت داده شده است. (ر.ک: تاریخ سیستان، ۱۳۹۱: ۱-۲) که در شخصیت‌پردازی اسطوره‌ای وی قابل توجه است. اما اولیس شهری نمی‌سازد ولی ارجمندی کانون خانواده در جلوگیری از آزمندی زیاده‌طلبان و مبارزه با بدکاری‌های اجتماعی را بیان می‌کند.

کاربرد رنگ‌ها که نشانی از طبیعت دارند و با روحیات پیوند برقرار می‌کنند و توجه به رنگ‌ها در اودیسه بیشتر است. مانند: بغ سیاه، فدریای بنفش، دریای خاکستری، کشتی‌های شنگرف-گون، دیبای ارغوانی و ...

در گرشاسب‌نامه

کنون تا فروشد سپهری درفش ز شب گشت زربفت گیتی بنفش
(همان: ۳۳۸)

۳۳۳

نیروهایی که در اعداد و حروف وجود دارد و سعد و نحس آن‌ها که در بین اقوام و ملل وجود دارد. ایرانیان اعداد یک، هفت، چهل و هزار را؛ ترکان اعداد نه و هجده؛ مسیحیان عدد سه را گرامی می‌دارند. در اودیه اعداد هفت، نه و هجده کاربرد بیشتری دارد.

در گرشاسب‌نامه: در تصویرسازی از شکل حروف بهره می‌گیرد.

خدنگین الف از خم نون و دال برون راند و بر دوختش هر دو بال
(همان: ۵۳)

مقایسه جنبه داستانی اودیه با گرشاسب‌نامه

جنبه داستانی

جنبه‌های داستان‌پردازی این دو اثر عبارتند از: راوی، پی‌رنگ و شخصیت‌پردازی، تقدیرگرایی و مطلق‌گرایی.

روایت داستان در اودیه، دانای کل با توجه به ترتیب زمانی قابل قبولی پیش می‌رود و سیر حوادث منطقی و علی و معلولی است. و پیوستگی آن بدلیل داستان‌های فرعی درهم شکسته نمی‌شود مانند سفر جستجوی پدر تلماک، گزارشگری اولیس از سیرسه فسونگار و سرزمین سیمریان که در آن به جهان زیر زمین راه می‌یابد، این موارد شکل داستان در داستان را القا می‌کند. وحدت موضوع با محوریت اولیس و هدفش دارد. در گرشاسب:

«داستان از زبان سراینده دهقان موبد نژاد که همانا دانای کل است، روایت می‌شود. ترتیب زمانی منطقی و قانونمند نیست. پی‌رنگ و طرح داستان ضعیف است. که در بخش پرسش و پاسخ‌های گرشاسب با برهمن، مشاهده این گسیختگی و دورشدن از طرح موضوع اصلی محسوس‌تر است و چگونگی پیوستن نریمان گرشاسب به نژاد جمشید مبهم است.»
(میرصادقی، ۱۳۸۸: ۶۴)

چگونگی شخصیت‌ها

شخصیت‌پردازی تلماک، پنلوپ، اولیس و گروه خواستگاران به خوبی صورت‌پذیرفته به گونه‌ای که شاعر به ضعف‌ها، تلاش‌ها، حيله‌گری‌ها و توانمندی‌ها چهره‌ای واقعی و

ماجراجویانه و خردمندانه بخشیده است.

اسدی شخصیت گرشاسب را در پیروزی‌های شگفت‌انگیز واقعی و فرا واقعی‌اش می‌نمایاند. و وجه پهلوانی او را با چگونگی شخصیتش، در پیروزمندی شکل داده‌است. البته از نظر شخصیت‌پردازی، شکست‌ناپذیری و پرسش‌ها و پاسخ‌های فلسفی سیمای کاملی از گرشاسب و نریمان نشان نمی‌دهد و با روی‌کار آمدن فریدون هیچ حمایتی یا مخالفتی از گرشاسب مشاهده نمی‌شود. اسدی در شخصیت‌پردازی موفق عمل نکرده است.

بن مایه‌هایی با اشتراکات و اختلافات

اشتراکات

هر دو قهرمان پادشاه بودند. گرشاسب پادشاه ایران و اولیس پادشاه شهر ایتاک و هر دو دارای قدرتی مافوق انسانی، شجاع و نیرومند، مغرور و سرکش و متکبر بودند. اولیس شخصیتی بزرگ دارد و ایده‌پرداز است که با ساختن اسب چوبی تروا را فتح می‌کند. او کمان خود را زه می‌کند و تیری را از سوراخ دوازده تیر می‌گذرانند که این داستان‌ها بیانگر ویژگی‌های فراتر یک انسان عادی است.

«گرشاسب یک روز تمام بر پشت اژدها اسب می‌تازد تا از دمش به سرش می‌رسد، اما آن را نمی‌یابد و روی سر آن آتش بر می‌افروزد و آنگاه که اژدها از سوزش آتش به جنبش در می‌آید. گرشاسب در می‌یابد و سرش را به گرز می‌کوبد.» (مهرکی، ۱۳۸۰: ۲۰۳)

سفر به جاهای مختلف و جهان زیر زمین

هر دو قهرمان از دریا گذر کرده و به سرزمین‌های ناشناخته و به جهان زیر زمین سفر کرده‌اند. «انگیزه اولیس از رفتن به جهان زیر زمین دیدن تیرزیاس نابیناست ... تا به او بگوید که برای رسیدن به ایتاک چه باید بکند.» (هومر، ۲۹۳) اولیس به سرزمین‌های «اورژی (هومر، ۱۱۱)، لوتوفاژها، لستریگون‌ها، (همان، ۲۱۴)، جزیره ائنه (همان، ۲۱۴)، و فئاسی (همان، ۱۲۴)، می‌رود که وجود خارجی ندارند و جاهایی ناشناخته و شگفت‌آور که باعث افتخار اولیس بوده‌اند. حتی در این مکان‌ها همراهانش را از دست می‌دهد.

موجودات شگفت‌آور و غیر طبیعی

در هر دو حماسه غول‌های ترسناکی وجود دارد که مانع دسترسی به اهداف قهرمانان می‌شوند و آن‌ها برای رسیدن به هدف خود این موجودات را از سر راه خود برمی‌دارند.

جنگ با دیوان و اژدها

هر دو با دشمنان مبارزه کرده‌اند. در اودیسه؛ لستریگونها مانند دیوان و آدم خوارند. «سیلا» دوازده پا، شش گردن بسیار بلند، دارای سری ترسناک و وحشتناک با سه رج دندان به هم فشرده دارد که تا نیمه پیکرش در غار تاریک و مخوف قرار می‌گیرد و سرهای خود را از عمق غار بیرون می‌آورد و از آنجا دلفین‌ها و سگ‌های دریایی را شکار می‌کند. از هر طرف غول‌ها را می‌گیرد و می‌خورد و هراسی در دل قهرمانان می‌افکند.

«پولیفم» غول یک چشم در هر وعده غذایی خود دو نفر از همراهان اولیس را می‌خورد و اولیس او را نابینا می‌کند.

گرشاسب شگفتی‌ها می‌بیند و می‌آفریند. وی با گرز خود اژدهای شاختار و وحشتناک را که بر پشتش جویی از زهر زردرنگ جریان داشت و دیو سناویدک و دیو گندرو را می‌کشد. بر شیر و ببر غلبه و با راهزنان آدم‌کش مبارزه می‌کند.

اختلافات

گرشاسب بخاطر حفظ کشور ایران با دشمنان مبارزه می‌کرد. ولی اولیس بخاطر «هلن» همسر «منلاس» مبارزه کرد. در گرشاسب جنبه‌هایی از فلسفه مرگ و زندگی وجود دارد ولی اولیس در پی لذت‌گرایی است. گرشاسب به درگاه خدا دعا می‌کند تا خداوند مشکلاتش را برطرف کند و اولیس نیز برای خدایان دعا و نذر و قربانی‌هایی می‌کند تا امتیازی کسب کند.

خدای گرشاسب با او دشمنی و مبارزه نمی‌کند ولی خدایان اولیس کینه ورزند و با اولیس سر ستیز دارند. مانند: «پوزئیدون» که دشمن سرسخت اولیس می‌گردد و مانع رسیدن به خانه و کاشانه‌اش می‌شود. اولیس افسار گسیخته و نسبت به مردم ستمگر است و از خدایان نافرمانی می‌کند. به گونه‌ای که هنگام عبور از سرزمین «سیکونها» رفتارشان اینگونه است:

اولیس بعد از کشتن خواستگاران همسرش که از رمله‌های او تغذیه کرده بودند، برای جبران و ثروت از دست رفته‌اش، گوسفندان مردم آخایی را غارت می‌کند.

نتیجه‌گیری

آنچه از این بحث نتیجه می‌شود چنین است که: ارتباط متون را می‌توان از طریق روش‌های ادبیات تطبیقی دریافت کرد که سیر این مقاله این گونه است. با علم به اینکه اودیسه سال‌هایی قبل از گرشاسب‌نامه سروده شده؛ به ما می‌رساند که از هومر تأثیر گرفته باشد. به این دلیل که

فرهنگ زبانی و شفاهی بین‌النهرین در میان یونانیان و ایرانیان رایج و دارای پیشینه کهن و مشترکی بوده‌اند. در نتیجه شباهت زیادی در این دو حماسه به چشم می‌خورد که در تحلیل و توضیح مقاله به آن‌ها اشاراتی شده است.

تشابهاتی در هر دو حماسه به چشم می‌خورد که نشانگر فرهنگ حماسی مشترکی است. هر دو قهرمان سرکش و مغرور از دریا گذر کرده و به سرزمین‌های ناشناخته و به جهان زیر زمین سفر کرده و به خواب بی‌موقع فرو رفته‌اند. غول‌هایی که وجود دارد و بسیار سهمگین‌اند و مانع پیشبرد امور قهرمان می‌شوند. جنبه‌هایی از فلسفه مرگ و زندگی در هر دو حماسه وجود دارد. در اودیسه؛ خدایان مانند انسان‌ها رفتار می‌کنند و در روند داستان نقش اساسی دارند. آن‌ها هرگاه با قهرمان حماسه دشمن می‌شوند؛ در زندگی او مانع ایجاد می‌کنند و هرگاه حامی قهرمان می‌شوند؛ او را به هدفش می‌رسانند. بنابراین قهرمان برای رسیدن به موفقیت به درگاه خدایان نذر و دعا می‌کند. در هر داستانی خدایان با انسان سخن می‌گویند و گاهی خودشان دچار دوگانگی می‌شوند. جایگاه خدایان در کوه قرار دارد. اغراق و مبالغه و وصف در هر دو مشهود است. زمان، مکان و عمر قهرمانان دارای ابهام و پیچیدگی است.

ولی گرشاسب با ویژگی‌های باستانی بیشتری بر اولیس نمودار می‌شود. مانند: جهان بینی و یکتاپرستی، دلوری و ازدها کشی، جنگاوری و دفاع از مرز و بوم، جنگ با غولان و اهریمنان، آزمون‌های مشکل و دشوار، وطن دوستی و جانفشانی برای آن، پذیرش انواع خطر برای دفاع از ارزش‌های ملی، ماجراجویی و شهرت طلبی.

ولی ادیسه در پیروزی و شکست خود نقش‌چندانی ندارد. خدایان و الهه‌ها تقدیر و سرنوشت او را رقم می‌زنند.

منابع

کتاب‌ها

اسدی توسی، علی بن احمد. (۱۳۵۰). *گرشاسب‌نامه*، به کوشش حبیب یغمایی، تهران: کتابخانه طهوری.

اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۸). *ایران و یونان در بستر باستان*، تهران: انتشار.

بهار، مهرداد. (۱۳۷۰). *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: آگاه.

بهار، مهرداد. (۱۳۷۳). *جستاری در فرهنگ ایران*، تهران: فکر روز.

- پین سنت، جان. (۱۳۸۷). *شناخت اساطیر یونان*، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). *اژدها در اساطیر ایران*، تهران: توس.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). *ارسطو و فن شعر*، تهران: امیر کبیر.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۸۵). *سایه‌های شکار شده (گزیده مقالات فارسی)*، تهران: طهوری.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۳). *حماسه سرایی در ایران*، تهران: فردوس.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۸). *عناصر داستان*، تهران: سخن.
- هومر. (۱۳۷۰). *ایلیاد*، ترجمه سعید نفیسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هومر. (۱۳۷۹). *اودیسه*، ترجمه سعید نفیسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- یغمایی، حبیب. (۱۳۷۴). *گرشاسب‌نامه اسدی طوسی*، تهران: کتابخانه طهوری.

مقالات

- بیرانوند، یوسفعلی، و صحرایی، قاسم. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی حماسه گیلگمش و اودیسه هومر. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۸(۴)، ۶۹-۴۵.
- جانی، مینا، عقدایی، تورج، تلخابی، مهدی، و نوحی، نزهت. (۱۴۰۱). تحلیل سیر فردیت یونگی در داستان دقوقی از مثنوی معنوی. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۵(۵۷)، ۵۴۰-۵۶۳. doi:10.30495/dk.2022.1968966.2598.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۶۲). گردشی در گرشاسب‌نامه، *ایران نامه*، (۳)، ۳۸۸-۴۲۳.
- خداکرمی، فاطمه. (۱۳۹۲). بررسی آرکی تایپ‌های حماسه گیلگمش از منظر یونگ، *زبان و ادبیات فارسی*، ۵(۱۶)، ۶۸-۴۵.
- مبارک، وحید. (۱۳۹۶). مقایسه تطبیقی ادیسه هومر و گرشاسب‌نامه اسدی طوسی. *ادبیات تطبیقی*، ۹(۱۶)، ۱۸۵-۲۰۷.
- مهرکی، ایرج. (۱۳۸۰). تحول شخصیت گرشاسب در اسطوره و حماسه. *زبان و ادبیات فارسی*، ۹(۳۲)، ۱۹۷ تا ۲۱۴.
- مهرکی، ایرج. (۱۳۸۱). منبع اسدی در سرودن گرشاسب‌نامه، *دانشکده علوم انسانی سمنان*، ۱(۳)، ۷۳ تا ۸۵.

References

Books

- Asadi Tousi, A. A. (1971). *Garshasb Nameh*, by Habib Yaghmai, Tehran: Tahori Library. [In Persian]

- Bahar, M. (1991). *a research in [ranian mythology*, Tehran: Aghaz. [In Persian]
- Bahar, M. (1994). *An inquiry into Iranian culture*, Tehran: Feker Rooz. [In Persian]
- Eslami Nadushan, M. A. (1999). *Iran and Greece in the ancient context*, Ch-2, Tehran: Publication. [In Persian]
- Homer. (1991). *Iliadt*, Trans. Saeed Nafisi, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Homer. (2000). *Odyssey*, Trans. Saeed Nafisi, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Pinsent, j. (2007). *Understandikg Greek Mythology*, Trans. Bajlan farrokhi, Tehran: Asatir. [In Persian]
- Rostgar Fasaei, M. (2000). *Dragons in Iranian mythology*, Tehran: Tos. [In Persian]
- Safa, Z. A. (2004). *epic writing in Iran*, Tehran: Ferdous. [In Persian]
- Sarkarati, B. (2006). *Hunted Shadows (a selection of Persian articles)*, Tehran: Tahori. [In Persian]
- Zarin Koob, A. H. (1996). *Aristotle and the art of poetry*, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]

Articles

- Absolute creation, G. (1983). *a tour in Garshasb Nameh, Iran Nameh*, (3), 388-423. [In Persian]
- Biranvand, Y. A., & Sahrai, Q. (2019). Comparative study of Gilgamesh epic and Homer's Odyssey. *Comparative Literature Research*, 8(4), 45-69. [In Persian]
- God Karmi, F. (2012). Examining the archetypes of the epic of Gilgamesh from the perspective of Jung, *Persian language and literature*, 5(16), 45-68. [In Persian]
- Jani, M., Eghdai, T., Talkhabi, M., & Nohi, N. (2022). Analyzing the course of Jungian individuality in Daqoghi's story from Masnavi Manavi. *Interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)*, 15(57), 540-563. doi:10.30495/dk.2022.1968966.2598. [In Persian]
- Mehraki, I. (2001). The evolution of Garshasb's character in myth and epic. *Persian Language and Literature*, 9(32), 197-214. [In Persian]
- Mehraki, I. (2001). Esadi's source in writing Garshasbnameh, *Semnan Faculty of Humanities*, 1(3), 73-85. [In Persian]
- Mubarak, V. (2016). Comparative comparison of Homer's Odyssey and Esadi Tusi's Gershasb-nameh. *Comparative Literature*, 9(16), 185-207. [In Persian]

A comparative study of the mythical heroes Gershasb and Ulysses

Safora Mirbaha¹, Dr. Attaullah Koopal², Dr. Shahrazad Sheyda³

Abstract

The aim of comparative literature is to explore the creation, similarities, differences, and effects of literary works in order to achieve literary and heroic approaches and discover cultural commonalities and intellectual foundations. This research focuses on the three main themes of content, literary, and narrative similarities and differences between "Garsasp and Odysseus" and presents the social behavior of the heroes of these two epics, which have many similarities. Content similarities include crossing seas, triumph over destiny, death and the afterlife, dreams, and multiple battles against opposing forces and magic. Literary similarities include heroic spirit and myths, the struggle for self-preservation, and description. Narrative similarities present the narrative aspect and the stability of the characters. The article method is descriptive-analytical; it compares and contrasts the common indices of two epics, "Garsasp" and "Odysseus" by focusing on common themes such as traveling to the underworld and sudden sleep, supernatural creatures and warfare with demons and dragons. The researcher aims to explain the similarities between literary works and the use of content, literary, and narrative criteria in Iranian and Greek epics. Gilgamesh is the first epic in the world with the most fundamental human issues. The Homeric society of Greece was influenced by it, and it also influenced the Odyssey of Homer. Considering that every text is a transformed version of another text, our epic literature has undoubtedly also been influential.

Keywords: comparative literature, Epic of Gilgamesh, myth and epic, Homer's Odyssey, Odysseus and Garsasp.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. mirbaha.safora@gmail.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. (Corresponding author) atakoopal2000@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran. shahrzadsheyda@gmail.com